

سرنوشت حزب حاکم ترکیه چه خواهد شد؟

حزب عدالت و توسعه برای پیروزی در انتخابات سال آتی میلادی شانس پایینی دارد اما هنوز هم پایگاه اجتماعی قابل توجهی دارد و انتظار نمی رود که از صحنه سیاسی ترکیه محو شود.



به گزارش آران نیوز به نقل از تسنیم، سال 2022 میلادی در ترکیه و در سایه بحران اقتصادی، رفته رفته رو به پایان است و احزاب ترکیه خود را برای انتخابات 2023 گرم می کنند، حالا باید دید به قول ارنست همینگوی، زنگ ها برای که به صدا در می آیند؟ آیا همچنان که شرکت های نظرسنجی معتبر ترکیه اعلام کرده اند، حزب عدالت و توسعه پس از یک دوره اقتدار 21 ساله، قدرت را به مخالفین واگذار خواهد کرد؟

این سؤال مهمی است که برای رسیدن به پاسخ آن، تاکنون صدها هزار دلار خرج و صدها تحقیق میدانی انجام شده است.

به باور بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران سیاسی، حزب عدالت و توسعه برای پیروزی در انتخابات سال آتی میلادی شانس پایینی دارد، اما هنوز هم پایگاه اجتماعی قابل توجهی دارد و انتظار نمی رود که از صحنه سیاسی ترکیه محو شود.

تحقیق میدانی چندین شرکت نظرسنجی درباره آکپارتی

بیش از 10 شرکت معتبر در حوزه نظرسنجی و بررسی افکار عمومی در ترکیه، با تجارب و سوابق طولانی، هر هفته پرسشگران خود را به 81 استان این کشور اعزام می کنند تا از مردم کوچه و بازار بپرسند: آیا حاضرید در انتخابات آتی باز هم به اردوغان رأی بدهید؟ حزب مورد نظر شما کدام است؟ دوست دارید چه کسی به عنوان رقیب اردوغان به میدان بیاید؟ و سؤالات دیگری از این دست.

آیا رسیدن به جواب های روشن و قابل اتکا، فقط برای رقبای اردوغان و حزب عدالت و توسعه اهمیت دارد؟ خیر، واقعیت این است که حزب عدالت و توسعه در دو دهه اخیر، همواره یکی از مهمترین جریانات سیاسی منطقه بوده و تأثیرات سلبی و ایجابی فراوانی بر روند تحولات داخلی و خارجی ترکیه به جای نهاده است.

با توجه به این که «مداخله گرایی»، همواره بخشی جدایی ناپذیر از سیاست خارجی حزب مزبور بوده است، به خوبی می توان دریافت که سرنوشت این حزب، به طور مستقیم و غیرمستقیم، بر بسیاری از روندهای داخلی و خارجی ترکیه تأثیر خواهد گذاشت.

در نتیجه، تسنیم لازم دانست در یک گزارش چندقسمتی، سراغ این موضوع برود که اساساً در انتخابات سال آتی، چه سناریوهایی بر سر راه حزب عدالت و توسعه وجود دارد و سرنوشت این حزب، چه خواهد بود.

در این گزارش چندقسمتی، سراغ این موضوعات و سؤالات مهم خواهیم رفت:

(الف) حزب عدالت و توسعه، توسط گروهی از شاگردان مرحوم نجم الدین اربکان تأسیس شده است، آیا ممکن است خیاط دوباره در کوزه بیفتد و بر مبنای سنت تاریخی، شاهد انشعابات جدیدی در جریان محافظه کار و حزب عدالت و توسعه باشیم؟

(ب) سرنوشت حزب عدالت و توسعه و شخص رجب طیب اردوغان رهبر این حزب، تا چه اندازه در هم تنیده شده است و این دو پدیده، به چه شکلی بر همدیگر اثر می گذارند؟

(ج) عمده ترین احتمالات و سناریوهای مرتبط با شکست یا پیروزی حزب عدالت و توسعه در انتخابات سال آتی ترکیه کدامند؟

(د) کدام یک از چهره های تیم اردوغان و حزب عدالت و توسعه می توانند به عنوان جایگزین های آتی کادر رهبری، ایفای نقش کنند؟

(ه) دلایل عمده برای پیش بینی شکست احتمالی حزب عدالت و توسعه کدامند و سناریوهای احتمالی رسیدن به پیروزی کدامند؟

(و) عمده ترین پیامدهای شکست یا پیروزی مخالفین اردوغان، چه خواهند بود؟

برای رسیدن به فهمی روشن در مورد زمینه های تاریخی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مرتبط با سر برآوردن حزب عدالت و توسعه، لازم است در ایستگاه اول سراغ تاریخچه این حزب برویم تا ببینیم اساساً حزب عدالت و توسعه بر بستر کدام تحولات سر برآورد، و آیا احتمال انشعاب مجدد میان اسلامگرایان وجود دارد یا خیر؟

از نابودی عثمانی تا شکل گیری جمهوریت بسیاری از متخصصین و پژوهشگران تاریخ عثمانی، بر این باورند که اساساً روند اضمحلال و فروپاشی این امپراطوری بزرگ، حتی پیش از آغاز قرن بیستم میلادی آغاز شده بود و نمی توان یگانه دلیل انحلال عثمانی را به تبعات و پیامدهای جنگ جهانی اول ربط داد. استبداد، فساد دربار، بازماندن از سیر تحولات صنعتی و اقتصادی اروپا و جهان، رکود و انسداد در جهان فکری و علمی، فقر و نابه سامانی، بی کفایتی سلاطین عثمانی و کارگزاران آنان در اداره قلمروی گسترده این امپراطوری، اثرگذاری موج فکری مشروطه خواهی و گفتمان توسعه سیاسی غربی، از دلایل و زمینه های مهم نابودی امپراطوری به شمار می آیند، به همین دلیل، پس از پایان جنگ جهانی اول و قدرت گرفتن یکی از ژنرال های سپاه عثمانی به نام «مصطفی کمال پاشا»، این تفکر شکل گرفت که دیار محدود و کوچکی که از قلمروی وسیع و تکه تکه شده قلمروی عثمانی به جای مانده است، نمی تواند با نظام خلافت اداره شود، چنین شد که به فرمان مصطفی کمال، خلافت منحل شد و نظام جمهوری جدید بر سرزمینی که ترکیه خوانده شد، در سال 1923 میلادی اعلام موجودیت کرد.

چه کسی اسلامگرایان را به حاشیه راند؟ به خلاف تصور، مصطفی کمال پاشا مؤسس جمهوری ترکیه، در آغاز راه، یک رهبر ضد دین نبود. او یکی از مهمترین ژنرال ها و رجال نظامی دربار عثمانی بود که پیش از پیروزی در برابر اشغالگران داخلی ترکیه در اوان تأسیس جمهوری، قبلاً در میادینی همچون لیبی، برای اجرای فرامین عثمانی جنگیده بود و بر اساس معیارهای آن دوران، تابع دستورات و اصول دینی بود. یکی از مشهورترین نطق های مصطفی کمال پس از تأسیس جمهوری ترکیه، همان نطق مشهوری است که در آن همه گروه ها و اقشار اجتماعی و قومی کشور را به عنوان «عناصر اسلامیه» معرفی کرده است و دست کم در آغاز راه، یک شخصیت ضد دین نبود.

ولی بعدها، همین فرد، به رهبری تبدیل شد که «ملی گرایی ترکی» و ناسیونالیسم متجدد را از هر اندیشه ای برتر دانست و تمام رفتارها و نمادهای دینی را به عنوان مثال و مصداق ارتجاع، به حاشیه راند.

عصمت اینونو که به عنوان مهمترین و نزدیک ترین یار مصطفی کمال شناخته می شود و در دوران ریاست جمهوری مصطفی کمال، پست نخست وزیری را در اختیار گرفته بود، در تشویق شخص رئیس جمهور به سمت اندیشه های ملی گرایانه شوونیستی نقش مهمی داشت. مصطفی کمال که بعدها پس از تصویب قانون سجل احوال، لقب «آتاترک» را برای خود برگزید، به پیشنهاد عصمت اینونو، سیاست های ملی گرایانه آلمان را سرلوحه افکار خویش قرار داد و صدها دانشجوی ترک به عنوان محقق به مناطق مختلف ترکیه اعزام شدند تا با اندازه گیری دور جمجمه سر افراد و ثبت اندازه و وضعیت دیگر اعضا و جوارح صورت، مشخص کنند که ترک های کدام مناطق ترکیه، اصیل تر و ترک تر هستند!

از دیگر اقدامات افراطی و ملی گرایانه آن دوران که در پاره ای از موارد، رفته رفته به سمت نژادپرستی متمایل شد، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

1. تغییر الفبای زبان ترکی به دستور مصطفی کمال آتاترک از الفبای ترکی عثمانی (همان الفبای عربی) به الفبای لاتینی و ایجاد یک گسست و شکاف عظیم در حافظه تاریخی و فرهنگی مردم ترکیه.

2. تعطیل کردن تکایا و خانقاه ها و اعمال فشار بر فعالیت مساجد، روحانیون، پیش نمازها و خطبای مساجد.

3. امر بر ضرورت سر دادن اذان به زبان ترکی!

4. تعطیل کردن کلاس های قرآن و زدودن ردپای دین و مذهب از کتب درسی مدارس.

5. کشف حجاب و قانون کلاه و البسه رسمی.

6. حکمرانی در ترکیه بر اساس قانون تک حزبی (قدرت سیاسی و اجرایی در ترکیه تا مدتها پس از مرگ آتاترک یعنی تا سال 1950 میلادی، در دست یگانه حزب این کشور یعنی حزب جمهوری خلق CHP بود، اما پس از آن، حزب دموکرات، حزب عدالت و احزاب دیگر، سر برآوردند).

گفتیم که مصطفی کمال، خود را آتاترک یا پدر ترک ها نامید. او تا سال 1938 میلادی، یعنی به مدت 15 سال و تا آخرین روز عمر، رئیس جمهور ترکیه بود. در دوران او، اسلامگرایان، نه تنها در حوزه سیاست و اجرا به حاشیه رانده شدند، بلکه در بازار و نهادهای دیگر نیز عملاً نادیده گرفته شدند. پس از آتاترک، عصمت اینونو قدرت را در دست گرفت و او نیز تا سال 1950 میلادی، به صورت یک قبضه قدرت را در اختیار داشت و اعمال فشار بر اسلام و اسلامگرایان، در دوران او به

اوج رسید و به همین دلیل، میلیون ها خانواده اسلامگرا و محافظه کار، خاطرات تلخی از اقتدار کمالیست ها و لائیک های حزب جمهوری خلق را در حافظه تاریخی خود ثبت کردند. در بخش بعدی این مطلب، به چند و چون سربرآوردن محافظه کاران و شکل گیری احزاب اسلامگرای ترکیه خواهیم پرداخت.